



امکان و ضرورت تاسیس انجمن‌های ادبی زنان

به همراه معرفی فعالیت چند انجمن شعر زنان

فریبا یوسفی

الف.

«آورده‌اند که چون روح به قالب آدم درآمد، در حال گرد جملگی ممالک بدن برگشت. خانه‌ای بس ظلمانی و با وحشت یافت بنای آن بر چهار اصل متضاد نهاده، دانست که آن را بقایی نباشد. خانه‌ای تنگ و تاریک دید ... قدر انس حضرت عزت که تا این ساعت نمی‌دانست بدانست ... چون وحشت آدم هیچ کم نمی‌شد و با کس انس نمی‌گرفت، هم از نفس او هوا را بیافرید و در کنار او نهاد تا با جنس خویش انس گیرد. آدم چون در جمال حوا نگرست، پرتو جمال حق دید بر مشاهده حوا ظاهر شده که کل جمیل من جمال الله ذوق آن جمال بازیافت ...» (مرصاد العباد/ در بدو تعلق روح به قالب)

وجود تفاوت‌ها منشا کشف‌های تازه‌اند و کشف‌ها، بازآفرینی معانی پیدا و پنهان جهان. تفاوت‌ها عامل ایجاد جاذبه‌ها و نماینده و روشن کننده تصویرهای یکنواخت و بی‌صدای خلقت‌اند. شب روز را معنی می‌کند و روز روشن کننده معنای تاریک شب است. زن در کنار مرد با تمام تفاوت‌های خلقی و خلقی‌اش اشاره روشنگری‌ست به جهت داری خلقت و تجلی‌های گوناگون "یک". پیچیده است و معناگر. در دامن مهر، با دست نوازشی که ویژه اوست، نسل می‌پرورد. مادر جهانی می‌شود که به مهر تشنه است. زن اقیانوس است؛ موج می‌زند، آرام می‌گیرد و می‌پرورد. زن پیچیده‌ای ژرف است که تنها خودش خودش را معنی می‌کند. زن، زن است و کاش هرگز فراموش نکند.

یک. به عشق معنی پیچیده داده‌ای و به زن ۱
دو. از ترس مبادا با خطی به دو نیم انسان
نیمی همه شیرینی، نیمی همه فرهادی ۲
سه. انجمن ادبی زنان، بله یا خیر؟
چهار. معرفی

این عنوان‌ها، کوتاه شده حدیث مفصلی هستند که در موضوع انجمن ادبی زنان، محور سخن خواهند بود. می‌توان مقدمه‌ای چید که "زن" در لغت چنین تعریفی دارد و در نگرش‌های متفاوت با چنان زاویه‌های دیدی به او نگرسته شده است. سپس به شرح هر دیدگاه پرداخت و به مرزبندی‌هایی تن داد که همیشه در علوم مختلف، ضمن این که ذهن را با دسته‌بندی مفاهیم یاری می‌رسانند، مرزبندی‌ها و خط‌کشی‌ها را بیش از پیش ملکه ذهن انسان می‌کنند؛ انسانی که آمد تا مسیر حیات را با قالبی آمیخته از خاک زمین و روح آسمان و سرشته با شبنم عشق، با افتخار جانشینی خدا، به صبحگاه پریدن از پیله محدود و موقتی پیوند بزند.

ایمانوس است؛ موج زن می‌زند، آرام می‌گیرد و می‌پرورد زن بیچیده‌های ژرف است که تنها خودش خودش را معنی می‌کند، زن، زن است و کائنات هرگز فراموش نکند



ب.

شکستنی‌ست، پس احتیاط بیشتر ضرورت دارد. ترس مباداها یا هر علت و انگیزه دیگری این ضرورت را تأیید می‌کند. بنابراین موضوع‌های آسیب شناسی زن در جایگاه‌های مختلف شکل می‌گیرد. زن در جامعه حضور دارد و حضورش روز به روز پررنگ‌تر به چشم می‌آید و این حضور ضروری و کارا که کمترین اثرش "تکیه‌گاه روحی بودن" است، از ابتدای خلقت انسان خود را به شکل‌های متفاوتی نشان داده. شاید همین ظرافت و شکنندگی ذاتی ست که سبب می‌شود در اجتماع - حتی در کشورهایی که مقید به دین نیستند و الزام رعایت دستورات دینی را ندارند نیز - بعضی حریم‌های اختصاصی برای آنان در نظر گرفته شود تا از گزندها و آسیب‌های احتمالی در امان بمانند. در نظر گرفتن مکان‌هایی ویژه و منحصر به زنان در فضاهای مشترک اجتماعی به معنای درحصر نگاه‌داشتن زن نیست. احترام به لطافت شخصی و حفظ روحیه‌ای ترد از خرد شدن‌های احتمالی‌ست، در جایی که ممکن است به علت کم توجهی به این تفاوت طبیعی، آسیبی ناخواسته یا خواسته! بر روح و روان زن وارد شود. و این احترام زمانی کامل خواهد بود که او بتواند به انتخاب خود از فضاهای اختصاص یافته استفاده کند. یعنی شرایط و امکانات فراهم شود و زن، بر اساس ساختار شخصیتی خود و با توجه به ظرفیت و نیازش، آزاد باشد از این امکان بهره

ببرد. ساده‌ترین مثال؛ ایجاد واکن‌های مخصوص خانم‌ها در متروست. این که زن از این فضای اختصاصی استفاده کند یا خیر کاملاً به انتخاب خود اوست. اما ایجاد این فضا که همان احترام به حریم خاص زنان است و شرایط راحتی را برای حضور زنان در جامعه فراهم می‌کند، ضروری می‌نماید.

ج.

با رجوع به ذهن خود و با مرور آنچه ناخودآگاه در آن ثبت و ضبط شده است، این عبارت‌ها برای ما آشنا می‌نمایند: انجمن نسوان وطن‌خواه، انجمن حریت زنان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات زنان، بنیاد پژوهش زنان ایران، مرکز آموزش

زنان و خانواده، مشاور امور بانوان، مجله زنان، خبرگزاری زنان ایران، زن در شاهنامه، کتابخانه تخصصی زنان، زن و مدرنیسم، زن در قرآن، روز جهانی زن و در ایران خودمان روز زن ... و نیاز به یادآوری نیست که به جای این سه نقطه تا کجا می‌توان ادامه داد. هم‌چنین برگزاری گنگره‌ها و همایش‌هایی با اختصاص همین موضوع و نیز بررسی‌های جزئی تر و دقیق تر در وقایع تاریخی و بررسی‌های اختصاصی نقش زنان در آفرینش و شکل‌گیری وقایع خاص تاریخی و مذهبی و حتی ادبیات افسانه‌ای، همه این نکات که البته بسیار مختصر و اشاره گونه نام برده شده‌اند،

نشان می‌دهد که به هر دلیلی، زن به طور ویژه مورد ارزیابی قرار گرفته و می‌گیرد و نیازمند اجتماع‌های ویژه و جمع‌های فعال زنانه است تا در آن، با احساس آزادی و آرامش بیشتری به دغدغه‌های روحی شخصی یا اجتماعی خود بپردازد. این اختصاص را معمولاً در مورد مردها نمی‌بینیم یا کمتر می‌بینیم و بررسی چرایی آن بحث مفصلی ست که مجال دیگری را می‌طلبد. با این نگاه، بله یا خیر را به ذهن مخاطب وامی‌گذاریم که آیا در کنار فضاهای ایجاد شده مختص بانوان، دایر شدن فضایی با نام "انجمن ادبی زنان" نیز ضرورت دارد؟

د.

هدف اصلی این نوشته، معرفی انجمن‌های ادبی زنان در روزگار ما بود، صرف نظر از بررسی لزوم برپایی آن یا کنکاش در اهداف و نتایج برگزاری این انجمن‌ها. با این وجود، در این پاره نیز ناگزیر از بیان مقدمه‌ای کوتاه خواهیم بود.

زن در ادبیات، یا مخاطب بخش وسیعی از ادبیات است - در شعر به طور ویژه و در تغزل به شکل ویژه تر - یا خود دست به آفرینندگی زده و در قالب‌های قدیم و جدید با دامنه وسیع تری که شامل خاطرات و یادداشت‌های روزانه نیز می‌شود، به نوشتن پرداخته است و به این ترتیب

مسائل شخصی و خاص زنانه را نیز به دنیای ادبیات وارد کرده؛ احساس‌های طبیعی و زنده‌ای مانند حس مادری یا حس عمومی تری مانند عشق یعنی آنچه که در روزگاری پیش تر از این باید ناگفته می‌ماند یا اگر بازگو می‌شد باید بهایی سنگین - حتی، گاهی، جان - به ازای آن پرداخت می‌کرد، آن‌چنان که رابعه. این بحث نیز برای بررسی چرایی اش نیازمند مجال دیگری ست.

اما برخی انجمن‌های ادبی زنان و گفتارهای کوتاهی پیرامون هر یک.

انجمن شعر زنان شیراز

این انجمن در سال ۱۳۷۴ با همت خانم پروانه نجاتی پایه‌گذاری شد و از همان سال تا امروز، فعالیت خود را بی‌وقفه ادامه داده است. انجمن شعر زنان شیراز، تاکنون سیصد عضو داشته و نمونه آثار شاعران این انجمن در تذکره زنان شاعر فارس از آغاز تاکنون، انتشارات نوید شیراز، گردآوری شده است.

هر جلسه این انجمن، معمولاً با حافظ‌خوانی و تفسیر اشعار حافظ، یا گلستان خوانی آغاز می‌شود و سپس با شعرخوانی و نقد کارگاهی شعر ادامه می‌یابد. تلاش برای رشد و تعالی زنان شاعر، با ارایه جزوات آموزشی شعر نیز صورت می‌پذیرد. مجموعه‌هایی با این عنوان‌ها در کارنامه کاری این



انجمن به چشم می خورد:

- عطر یاس؛ با محوریت حضرت زهرا(س)

- کبوترانه؛ با محوریت امام رضا (ع)

- فرشته و عطش؛ با محوریت ادبیات آیینی.

همچنین در سال ۱۳۸۶ سررسید "نارنج خاتون" توسط این انجمن به چاپ رسید که در آن مشخصات و عکس و قطعه‌ای از شعر خانم‌های شاعر در روز تولدشان درج شده بود.

جلسات این انجمن، هم‌چنان عصر هر چهارشنبه، در کتابخانه منزل خانم نجاتی برگزار می‌شود.

انجمن شعر بانوان تهران

این انجمن که کمتر از یک سال از عمر آن می‌گذرد، انجمنی ست که بعد از برپایی دومین کنگره شعر زنان تهران در زمستان ۸۷، اولین جلسه خود را در آخرین پنجشنبه فروردین سال ۸۸ برگزار کرد. تمامی شرکت‌کنندگان در کنگره، به عنوان عضو رسمی انجمن شعر بانوان تهران به رسمیت شناخته شدند. خانم سودابه امینی، دبیر این کنگره، در روزهای برگزاری مراسم اعلام کرده بود: «این کنگره کارنامه سی ساله شعر و جایگاه زنان را بررسی کرده و بر آن است تا انگیزه و خلاقیت‌های بانوان را بارور کند». ایشان هم‌چنین یادآور شده بود: «ما قطعاً در پی آن هستیم که این کنگره نیازهای بانوان شاعر را برطرف کند و هیچ‌گاه تلاش نمی‌کنیم شعر زنان را در برابر دیگر زنان و یا شعر زنان را در برابر مردان قرار دهیم. زنان شاعر با واقعیت در زمینه شعر اجتماعی، پایداری، نمادگرا و اساطیری زنان قلم می‌زنند و حقیقتاً هم موفق گام برداشته‌اند. باید به فکر آن باشیم که انجمن شعر زنان در تهران پایه‌گذاری شود که در این فضا هم شاعران زن قدم گذارند و هم تئوری پردازان و نظریه پردازان که علاقمند به کار هستند فعالیت داشته باشند». (خبرگزاری کتاب ایران)

در دهمین جلسه این انجمن که در دی ماه امسال برگزار شد، با هدف گفت‌وگو در موضوع لزوم برگزاری چنین جلساتی، به این انجمن رفته. شاعرانی که در این روز در جلسه حضور داشتند دیدگاه‌های خود را صمیمانه بازگو کردند و تقریباً همه تأیید کردند که در چنین نشست‌هایی زنان سروده‌های خود را در محیطی که در آن احساس آرامش و راحتی بیشتری دارند، در معرض نقد قرار می‌دهند و یکی از فایده‌های این گونه جمع‌ها را پرهیز از مردانه‌سرایی زنان اعلام کردند. به جلسه شعر زنان به عنوان نقطه شروع برای آن دسته از شاعران زن که در ابتدای راه هستند نگاه خوش بینانه‌ای وجود داشت. یکی از شاعران با تأکید بر ضرورت چنین جلسه‌ای یادآور شد که گاهی بعضی زنان با این که شعرهای بسیار خوبی هم دارند حاضر نیستند آن را در جمع ارائه دهند و این اجتماع به دلیل اختصاصی بودن محیط، این امکان را برای آنان فراهم می‌سازد تا با اعتماد به نفس بیشتری به عرضه اثر خود بپردازند. هم‌چنین اعلام شد که منظور از برگزاری این انجمن این نیست که در آن شعرهای خاص و زنانه خوانده شود یا ورود مردها به جلسه به کلی ممنوع باشد، بلکه هدف، ایجاد فضایی صمیمی‌تر است و شاعران مرد هم با اعلام قبلی می‌توانند در این جمع

شرکت کنند. یکی از ویژگی‌های این انجمن وجود بانک اطلاعاتی از زنان شاعر سراسر کشور است. نکته اصلی که باید مد نظر قرار گیرد، این است که این انجمن هنوز در آغاز راه است و در سایه حمایت و حضور فعال زنان می‌تواند اثربخش بودن خود را در آینده‌ای نزدیک به اثبات برساند. از جمله شاعران حاضر در این جلسه خانم‌ها هوروش نوابی، مهری محبی، دکتر سیمین وحیدی، معصومه باغیان، لیلا کردیچه، مرضیه فراهتی، افسانه راز، صفورا میرزایی، طیبه طاووسیان و زهره قربانی بودند و خانم‌ها سودابه امینی، غزل تاجبخش، ناهید یوسفی، و مژگان عباسلو نیز غایب‌های جلسه بودند. شاید شاعران دیگری نیز از قلم افتاده باشند.

این انجمن آخرین پنجشنبه هر ماه، ساعت سه و نیم تا شش بعد از ظهر تشکیل می‌شود و دو آدرس اینترنتی آن www.zananpoem.com و www.zananpoem.blogfa.com است.

خانم غزل تاجبخش، که اتفاقاً در جلسه انجمن شعر زنان دی ماه حضور نداشتند وقتی باخبر شدند که ما در این نشست در مورد ضرورت برگزاری انجمن‌های خاص زنان گفت‌وگو کردیم، مثل همیشه به خاطر توجه مسئولانه و دقیق خود زحمت کشیدند و ضمن تماس، نظر خود را در این باره مطرح کردند. ایشان به لزوم چنین جلساتی در حد وجود فضایی آزاد و راحت برای زنان معتقد بودند به شرط این که به سوی گرایش‌های منحصرأ فمینیستی و جداسازی‌های متعصبانه سوق نیابد و معتقد بودند همان‌طور که در خلقت، زن و مرد با مشارکت هم زندگی را می‌سازند در شعر هم که بخشی از زندگی و بخش بسیار لطیف زندگی ست، می‌توانند در کنار هم بر سازندگی و آفرینش‌های ادبیات همت داشته باشند. ایشان که خود "انجمن ادبی غزل" را نزدیک به سی سال در منزل شخصی‌شان برگزار کرده‌اند یکی از راه‌های تداوم چنین انجمن‌هایی را، داشتن مسئول مستقیم و قابل مراجعه مطرح کردند. به نظر ایشان می‌بایست تعدادی خانم فعال مسئولیت انجمن را به عهده بگیرند و آن را پشتیبانی کنند.

انجمن ادبی غزل

"انجمن ادبی غزل"، هرچند در شمار انجمن‌های ادبی زنان نیست، اما میزبانی مهربانانه خانم غزل تاجبخش در مدت زمانی نزدیک به سی سال، ویژگی خاصی به این انجمن بخشیده است که اشاره به آن را در این نوشته موجه می‌کند.

اولین جلسات انجمن غزل در سال ۱۳۶۰ با پیشنهاد و توافق آقایان: زنده یاد دکتر سیدضیاءالدین سجادی، زنده یاد حمید عاملی، غلامحسین قرشی، زنده یاد ابوالقاسم حالت، سعید شمس‌انصاری (شاعر و استاد خوشنویسی) و چند تن از شاعران دیگر پایه‌گذاری شد. ابتدا جلسه‌ها هفتگی و سیار بود و به تدریج کسانی دیگر به این انجمن پیوستند. در همان دو سه هفته اول، با پیشنهاد و تأکید همسر خانم تاجبخش، زنده یاد مهندس محسن رازانی، قرار شد شب‌های شعر ماهی یک بار و در منزل ایشان برگزار شود و با پیشنهاد استاد سجادی مقرر شد با نام "انجمن ادبی غزل" در آخرین یکشنبه هر ماه پذیرای شاعران باشد و چنین شد که این جلسات از مهرماه ۱۳۶۰ بدون وقفه تا امروز ادامه یافته است.

انجمن غزل، هرچند ادبی در شمار انجمن‌های ادبی زنان نیست، اما میزبانی مهربانانه خانم غزل تاجبخش در مدت زمانی نزدیک به سی سال، ویژگی خاصی به این انجمن بخشیده است.



به شایسته است
فعالیت‌های خانم
سیمین دخت وحیدی
نیز در این زمینه اشاره
شود. ایشان از اوایل
دهه هشتاد در منزل
شخصی خود پذیرای
بانوان شاعر بودند و
جلسات شعرخوانی
زنان را که هر پانزده روز
یک بار تشکیل می‌شد
میزبانی می‌کردند



رخ می‌هد، یکی از دلیل‌های تداوم انجمن غزل و هر انجمنی را صبر و پایداری و مسئولیت‌پذیری مسئولان آن اعلام کردند. ایشان با نگاه احترام آمیزی که به قلم دارند یادآوری کردند که خداوند این قلم را بیهوده به دست ما نداده است و همه نویسندگان و شاعران در برابر استعداد و ابزاری که دارند مسئول و موظف‌اند.

انجمن ادبی غزل از فروردین امسال دارای یک سایت اختصاصی نیز شده که بعضی سطور این بخش، برگرفته از توضیحات مندرج در آن سایت است: WWW.anjomaneghazal.com

محفل شعری در منزل خانم سیمین دخت وحیدی

در شمار انجمن‌های ادبی زنان شایسته است به فعالیت‌های خانم سیمین دخت وحیدی نیز در این زمینه اشاره شود. ایشان از اوایل دهه هشتاد در منزل شخصی خود، پذیرای بانوان شاعر بودند و جلسات شعرخوانی زنان را که هر پانزده روز یک بار تشکیل می‌شده میزبانی می‌کردند. پس از چند سال فعالیت دلسوزانه به علت بیماری، جابه جایی منزل و مسافرت هشت ماهه به امریکا، هم‌چنین کم شدن تعداد زنان شرکت‌کننده در این جلسات به دلیل مسئولیت‌های زندگی؛ از دواج، مادر شدن و مسئولیت‌های خانه داری و خانوادگی، رفته رفته تعداد شاعرانی که گرد هم می‌آمدند کم شد و در حال حاضر مدتی است که جلسات به روال سابق برگزار نمی‌شود. خانم وحیدی در گفتگویی تلفنی با ابراز مهر و احساس تعهد نسبت به شاعران زن و بخصوص شاعران جوان و دخترانی که اولین گام‌های خود را در این مسیر برمی‌دارند، توضیح دادند که چگونه بعضی خانم‌های شاعر از راه‌های دور با ایشان تماس می‌گیرند و با خواندن شعر خود از ایشان راهنمایی می‌گیرند. ایشان با اشاره به استعدادهای موجود اعلام کردند که در صورت حمایت وزارت ارشاد، دست کم هر سال ده عنوان از کتاب‌های خانم‌های شاعر را می‌توانند به چاپ برسانند.

خاتمه

این البته تمام آنچه می‌شد و بایست در مورد انجمن‌های شعر زنان نوشت نیست. حتماً مواردی از قلم افتاده است و حتماً نظرهای مخالف و موافق در مورد لزوم برپایی انجمن‌های ادبی زنان بسیار است که باید به آن‌ها پرداخته شود. باشد که از رهگذر این کنکاش‌های ساده، به دریافت‌های کامل‌تری در خصوص این موضوع نایل شویم.

حضور در این جلسه آزاد است، نه شرط سنی دارد نه شرط جنسی، اما معمولاً اکثریت شرکت‌کنندگان را جوانان تشکیل می‌دهند. انجمن ادبی غزل، نهادی است صرفاً فرهنگی، بدون وابستگی به شخصیتی حقیقی یا حقوقی و کاملاً مستقل و استوار بر پایه‌های ادب و اخلاق. نام آن بنا بر توصیه مؤکد زنده‌یاد استاد سجادی "غزل" انتخاب شده، اما قرائت انواع قالب‌های شعری در آن آزاد است و نهایت تلاش و دقت به کار گرفته می‌شود که حاضران در جلسه بتوانند سروده‌های خود را در زمان مقرر، که از ساعت شش تا نه بعد از ظهر است، به سمع دیگران برسانند. مدیریت جلسه در ابتدای پیدایش به عهده زنده یاد حمید عاملی بود و بعد از ایشان چند سال آقای سید کریم قنبری و بعد از ایشان هم آقای علیشاه مولوی عهده‌دار اجرای جلسه بودند و در حال حاضر اداره آن را یکی از جوانان مستعد به نام آقای احسان هاشمی بر عهده دارند. توصیه همیشگی خانم تاجبخش این بوده است که همگان با درک مسئولیت اخلاقی و با توجه به اهمیت ادب کهن کشور برای اعتلای فرهنگ و ادبیات، نهایت همت را به کار گیرند.

خانم تاجبخش با اشاره به مشکلات متعددی که در جریان تداوم انجمن غزل داشتند، بخصوص بعد از درگذشت همسرشان و ضرورت‌هایی که ایشان را به تبدیل منزل شخصی‌شان وا می‌داشت، هم‌چنین با اشاره به بیماری‌هایی که گاه باعث برهم خوردن نظم طبیعی زندگی‌شان می‌شده، و مسافرت‌ها و حوادث دیگری که معمولاً در زندگی اشخاص



۱- به عشق معنی پیچیده داده‌ای و به زن / قدیم تازه و بی‌مرز بسته تا که تویی (حسین منزوی، از کهریا و کافور)

۲- یوسفی، فریبا. حالا تو، ص ۱۴۴.